

اهداء به حبيب يغمائي

مجهوده پيامهائی گه به هنرهايت انتشار یيست و پنجمين
سال مجله ادبی و تاریخی

پنهم

از طرف مرکز علمی و دوستان آن مجله به
گروه دوستدار آن مجله یغماز میده است

نشریه ای که هم اکنون در حال مطالعه آن هستید، در راستای مبارزه با سانسور، گسترش کتابخانه های مجازی، تشویق به مطالعه، و بازیابی مطبوعات قدیمی توسط سایت های باشگاه ادبیات و کتاب فارسی تهیه شده است.



پیامهای مرآکز علمی و فرهنگی

(به ترتیب الفبائی نام امضاء کنندگان)

- ۱ -

انجمن آثار ملی سالیان متمادی است که با مجله‌ارزنده
یغما همه نوع همکاری داشته و دارد و پیوسته نسبت به
ادامه انتشار مجله و صاحب امتیاز فدایک آن جناب آقای
حبیب یغماei که با کوشش و پایداری قابل ستایش این
خدمت مفیدرا انجام می‌دهد احساس احترام و حق شناسی
فراآن می‌کند و نشانه‌ای از آن، مشترک که بودن مجله
نامبرده از طرف انجمن است که منحصر به همین مجله می‌باشد.
همواره توفیق روز افزونشان را در خدمات بی‌شایبیه
فرهنگی و ملی و معنوی هستیلت می‌نماید.

در پایان همت و ابتکار عناصر گرامی دوستداران
مجله یغما، که اندیشه قدرشناسی از چنین شخصیت فرهنگی

گرانقدر و توجه بهادامه انتشار مجله ارزنده نامبرده در طول بیست و پنج سال را ابراز داشته و مراسمی انجام می‌دهند، نیز بنویس خود مورد کمال ستایش و سپاس انجمن انجمن آثارملی است.

رئیس هیأت مدیره انجمن آثارملی
سپهبد فرج‌الله آق‌اولی

-۲-

خدمات ارزنده مجله یغما در معرفی فرهنگ ایرانی و زمینه‌های ادب فارسی و مبارزات و مساعی جمیله و مهدیه مدین فاضل و ارجمند آن در این راه سزاوار قدردانی و سپاس است.

از آنجاکه فرهنگ و مظاهر مختلف آن در جوامع هتمدن امروز و آینده و در مسیر تحولات علمی و فنی پیوندی ناگسترنی بین گذشته و حال بشمارمی‌آید و تمدن هر ملت در قالب فرهنگ آن شکل می‌پذیرد، نقش مجله یغما در این طریق حائز اهمیتی سرشار است. به این سبب آرزومند است که فاضل کرامی آقای حبیب یغما ای در این کوشش نمر بخش موفق و مؤید باشند و راه درازی را که با

زحمت و کامیابی به خاطر علم و ادب ایرانی سپرده‌اند در
سالهای آینده نیز با اشتیاق و توفيق روز افزون ادامه دهند.
د. ظیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران
علی‌اصغر حکمت

-۳-

شاید روزی که سخنور دانشمند استاد حبیب یغمائی
دست به انتشار مجلهٔ یغما زد صاحب نظر انگمان نمی‌بردند
بادشو اریه‌های که در کار بود و هست او بتواند از آن نهال نو
دهمیده درختی تناور و بارور و سایه‌گستر بسازد. امروز که
بیست و پنجمین دورهٔ «یغما» منتشر می‌شود البته بر دوستان
وشیفتگان زبان و ادب فارسی واجب است به همتی که بد
رغم آن همه مشکلات بدنیروی عشق و بیداری در این راه
پیش می‌رود آفرین بگویند. اما تنها آفرین کفتن کافی
نیست. سزاوار است دستهای که تاکنون بیشتر به علامت
تحسین جنبشی کرده و آهنگ تم‌جیبدی سرداده‌اند بههد.
کاری برخیزند و آنچنان که باید و شاید این ناخدای پیر
را که همچنان در دریای طوفانی کشته می‌راند یاری کنند.
حبیب سالهای است که در دانه‌هی کوشید و بی‌شکث مانند

همه‌ستایشگران صمیمه‌ی خود آرزو هند است که اگر اوروزی
ناگزیر شود به عذر سالخوردگی دست از کار بکشد در انتشار
مجله‌ی یغما که یادگار گر انبهائی از رنجهای طاقت فرسای
اوست و قله‌ای پیش نیايد.

دئیس مرکز بررسی و معرفی فرهنگ ایران
غلامعلی رعدى آدرخشى

— ٤ —

یکی از بهترین مجلاتی که در نیم قرن اخیر در ایران
به طبع رسیده بی‌شک مجله‌ای ادبی یغما است. این مجله از
همان ابتدا به نشر بهترین آثار ادبی و تحقیقات در زمینه
زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران پرداخت و تا امروز
این کار را ادامه میدهد. در طول این مدت مجلات ادبی
بیشماری در ایران بچاپ رسیده ولی محدودی از آنها بطور
هر تب هنتشر شده است. باز تعداد کمتری بوده که بیشتر
از ۲۵ سال و حتی کمتر دوم پیدا کرده است. همت و اراده و
دانایی مدیر مجله تا این حد است که مجله را علاوه بر آن
که بطور مرتب انتشار داده توائسته است آن را تقریباً در
یک سطح و با یک سطح مشخص نگهدارد. مطالب آن از

اول متنوع بوده و اکنون نیز چنین است . بهترین مقالات تحقیقی از استادان فقید و محققین معاصر همیشه در یغما چاپ همیشه و دانش طلبان برای اطلاع از تحقیقات جدید همیشه چشم بدراه این مجله بوده‌اند . تحقیقات تاریخی و ادبی و جغرافیائی و مطالب مربوط به تاریخ ادبیات و لفت و زبان فارسی و شعر معاصران و قدمای همیشه در یغما جای مخصوص بخود داشته است . رویه‌مرفته‌هی توان گفت که مجله یغما خدمتی شایسته بفرهنگ ایران انجام داده است و باید سرمشق سایر مجالات ادبی ایران باشد .

رئیس هیئت مدیره بنگاه ترجمه و نشر کتاب
جعفر شریف امامی

-۵-

چه دلیلی برای موافقیت مجله‌ای ادبی بهتر از این میتوان اقامه کرد که در مدت یک ربع قرن، خوانندگان آن راضی، عالقمند و روزافزون بوده‌اند .

رئیس لفتمانه سارمان دهخدا
سید جعفر شهیدی

-۶-

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران بنابر وظيفة

خطیری کد در حفظ و حراست آثار باستانی و میراثهای فرهنگی این کشور کهنه به عهده دارد بر خود فرض میداند که از همه افراد میهن پرست و عوامل مؤثری که در نگهداشت و معرفی و گرامی داشتن این میراثهای فرهنگی به تحوی از انحصار مساعی جمیله مبدول میدارند ستایش کند و به آنان بادیده یکریم بنگرد.

از جمله این عوامل مؤثر و ارزشمند این افراد بیدار دل مجله وزین یغما و مؤسس فرزانه آن است. آقای حبیب یغمائی که خود از ادبای بنام ایران و یکی از گویندگان بر جسته کشور ادب پرور ما بشمار می رود از یک ربع قرن پیش تنها با انگیزه ادب پروری و فرهنگ دوستی، نه بخاطر نامجوانی و زراندویی، دست به بنیاد مهندسی شیوا زد که اکنون بیست و پنج از عمر پر بار آن می گذرد.

مجله یغما از آغاز پیدایش صفحات خود را با اشعار بلند و نوشهای رسای یک دسته از برگزیدگان ادب و هنر این آب و خاک زیور بخشید و بهم خود مشعل فروزاندانش و فرهنگ این کشور باستانی را تاکنون همواره روشن نگاه داشته است.

مجلهٔ یغما کد با قطع و چاپ مرغوب هر ماه مرتب منتشر میشود حاوی یک سلسله مطالب گوناگون علمی و ادبی است که مورد احترام واستفاده ادب دوستان قرار میگیرد. مخصوصاً قسمتی از مطالب آن که کهگاه به معرفی یکی از آثار تاریخی میپردازد و یا بشرح نمونهای از هنرهای باستان میکوشد و یا روشنگر گوشدهای تاریخی از تاریخ این مرز و بوم میگردد از نظر این سازمان ارج بسیار دارد. بنابراین ضمن آرزوهندی دوام این نامه‌گرامی و کامیابی مؤسس دانشمندان امیدواریم که این وظیفه مقدس میهنی یعنی نشر و اشاعه فرهنگ کشور توسط مجله وزین علمی پیوسته دوام بادود ر آینده مجله گرامی یغما مخصوصاً در معرفی آثار تاریخی و ادگارهای جاودائی کشور به ابناء وطن نقش بزرگتر و مؤثری ایفا نماید.

مدیر عامل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

محمود مهران

-۷-

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی درباره تجلیل از خدمات آفای حبیب یغما این مدیر مجله یغما چنین اظهار

نظر کرده است: «مجلهٔ یغماً یکی از بهترین مجلات علمی
و ادبی کشور است و در این بیست و پنج سال توانسته خدمت
شایسته‌ای به فرهنگ و ادب این کشور بکند. بنابراین هر
نوع تجلیلی از این مجله بعمل آید سزاوار و درخور است»
رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی
سیدحسین نصر

چند پیام دوستازه

(به ترتیب الفبائی نامها)

-۱-

چندین سال پیش از این که بمنظور تجلیل از مجله
یغما مجلسی در طهران آراسته شده بود بایکدنا شور و
شوق و ارادتمندی خالصانه مختصر پیامی نقدیم داشتم و
نوشتم اولین بارست که افسوس میخورم که طبع شعر ندارم
تا بزبان شعر که زبان عواطف و احساسات عمیق درونی
است آنچه را درباره مجله «یغما» و مدیر محترم بسیار با
همت و فداکار آن یعنی استاد بزرگوار آقای حبیب یغمائی
فکر میکنم و بدآن عقیده دارم بیان نمایم.

امروز باز پس از سالهای بسیار کاملا همین فکر در
مخیله ام میکند و همین افسوس را دارم . دلم میخواست
زبان گویا و رسائی مانند زبان قآنی و لطف بیانی چون

سعدی و رقت اندیشه‌ای چون حافظ میداشتم تا آنچه را
شایسته مجله «یغما» و مدیر گرانقدر آن است بروی کاغذ
آورده ارسال دارم.

نظر من درباره انتشار مجله «یغما» همانا نظری است
که کروهاز هموطنان مادر ندو تمام بیگانگانی که شماره
آنها بسیار است واژ دور و نزدیک بزبان و ادب و فرهنگ
و آب و خاک ایران دلستگی دارد. یعنی مجله «یغما» را
بکی از ارکان مؤثر و صلاحیتدار خدمتگزاری بزبان و
ادب و فرهنگ و آب و ایران میدانم. معتقدم که مدیر
محترم آن مجله در ظرف این مدت دراز که یک ربع قرن
میشود باهمت و عشق خستگی زا پذیری و درحالی که عموماً
این بیت زبان حاشیه بوده :

پیری و غربت و تنها ای و فقر و غم عشق
چشم بد دور که اسباب طرب موجود است
و با مشکلات و موانع گوناگون بسیاری که یکی از
آنها همانا مضيقه‌تمالی و دست تنها ای است و جا دارد بگوئیم
و افعاً باخون دل این مجله را چون طفل ناز پرور در دامن

غمخواری خود پرورده است و بیست و پنج سال از بهترین سالهای عمر خود را، روز گارانی را که سایر مردم دنیا عوماً بخوشکنرا نی و تحریص مال و منال و جاه و مقام میگذرانند، او در راه تربیت فکری و معنوی هموطنان خود و بیگانگان ایراندوست مصروف داشته است. همچنانکه راقم این سطور در مدت بیست و پنج سال هرماه از هر شماره «یغما» در سه اگرفته و مبانی و نکات سودمند بسیاری آموخته ام آن همه خواننده دیگر هم از خوان فیض ارزان ولی پر بهای این مجله ارجمند بھرمند و برخوردار بوده اند. امروز همه بالاتفاق ویکنربان ویکصد ابرای بقا و توفیق «یغما» و «یغمائی» از صمیم دل و جان دعا میکنند و سپاسگزارند. سید محمد علی جمالزاده (زنو)

-۲-

تکریم فضل و هنر و بزرگداشت خدمتگزاران دانش و فرهنگ شیوه ایست فرخنده و بارور. درینگ که در کذشته چنین آئین ثمر بخش رایج نبود. بسا هنرمند که «از دست هنر خویش فریاد» زده و آرزوکرده است که «گوهر خود را

بدخربیدار دگری، عرضه کند. طبعاً در محیطی که قدر معرفت و هنر شناخته نشود ذوق واستعداد پرورش نمی‌یابد.

این خود در یچدا است فروغ بخش که در روز کارما بدین اصل شریف و انسانی توجهی هست و از خدمتگزاران فرهنگ و دانش قدردانی می‌شود، هر چند گاهی ناسزاواران نیز داخل هویز شوند.

اینکه در مقام تجلیل از خدمات فرهنگی مجله‌یغما جشن برپا می‌شود باعث خوشوقتی و امیدواریست.

مجله‌یغما سزاوار تکریم است. زیرا در عمر بیست و پنج ساله از روش متین و سودمند خود منحرف نشده و با همه هشکلات مادی و معنوی که در راه این‌گونه نشریه‌ها هست و غالباً منجر به آلودگی و انحراف می‌شود مقاومت کرده و رسالت خود را فراموش نکرده است. هنگامی که استاد عزیز آفای حبیب یغمائی در این وادی گام نهاد جز همت و شوق خدمت سرمایه‌ای نداشت، و تا امروز بادشواریهای گوناگون مواجه بوده و متحمل رنجها گردیده است. ولی با کمال مناعت و استقامت دامن‌تر نکرده و از آلودگیهای

که در بسی از این قبیل مؤسسات روی میدهد بر کناره نماید.
و پیوسته صحیحات مجله عرصه مطالب سودمند بوده است.
فکر شوم و نافر جام فزو نی «تیر از» هیچگاه نیت خالص
و شریف یغمائی را هشوب نساخت و قصد جلب خوانندۀ بیشتر
وی را از روش استواری که خود پیش گرفته بود دور
نساخت.

قلم و سیله کسب وارتاق نیست. مجله و روزنامه و
کتاب نباید دکه کسب و تجارت شود. علت غائی این حرفة
شریفهدا یت افکار عامه، لطیف کردن ذوق مردم، بالا بردن
سطح معرفت عمومی است - نه هماهنگی با خواسته های
عامه ناس و بالمال فروافتادن بد و رطبه ابتدا.

مطبوعات که رکن چهارم حکومتهای دموکراسی
است و حتی آنرا مهمتر و مؤثر تراز سدر کن دیگر می گویند
نقش مهمی در اجتماع بر عهده دارد. مطبوعات شریف و سالم
و ظیفدار اصلاح خطاهای، باز داشتن مردم از کجر ویها،
مهارزه با جهل و فساد، منع کس ساختن زشتیها وزیان پلیدیها،
درهم کوفن اوهام و خرافات و خلاصه نشان دادن راه صلاح

و فضائل انسانی است.

متأسفانه این احتمال بزرگ و شریف کم کم فراموش شده است (حتی در میان باختریان). رغبتی بیماراند بر هادیان افکار و مبادرات تبلیغ و اشاعه مستولی شده است که خود را بسطح فروافتاده ذوق عمومی پائین آورند. از نشر مطالب جلف و بازاری، حتی از همداستانی با اووهام و تمایلات مخالف عقل و اخلاق فاضلۀ پرهیز ندارند.

یا ک نظر بداغلب نشریات هفتگی و روزانه عکس‌های گوناگون آنها و مباحثت‌هایی که در اطراف مطریان و بازیگران سینما مطرح می‌شود و حتی شایختگیها، بی‌بندو باریها، قهرها و آشتبایها، و صدھا امور بازاری و ناسالم از این قبیل با آب و تاب نوشته می‌شود. یاد رسانی ادبی جهالت و بی‌سروادی و حتی دیوانگی نقطه‌آغاز و ملاک صحبت و سقمه قرار می‌گیرد. همه اینها شائن مجله‌ای را چون یغما که پاسداری فرهنگ و تاریخ ایران و نکات فاضلۀ راوظیفه خود می‌داند بالا می‌برد و شما را در این اقدام به تجلیل از آن مجله می‌ستاید. علی دشتی

کسانی که در تألیف و طبع کتاب و مجله دست دارند
میدانند برای یک جلد کتاب چقدر باید زحمت کشید و
رنج برد و عصیانی شد تا آنرا بصورت مطلوب تقدیم خواهند
کرد . بنابراین وقتی ملاحظه میشود که سخنور نحیف ما
آقای حبیب یغمائی بیست و پنج سال هتمادی تمام نیروی
خود را بکاربرده و حدود سیصد شماره از مجله یغما را در
پانزده هزار صفحه منتشر ساخته جز تحسین و تقدیر نمی -
توان برای ایشان نظری ابراز داشت . بویژه که مجله یغما
را خصایص و مزایایی است که باید خاطر نشان کرد تا عمل
تحسین و تقدیر هویدا باشد .

نخست اینکه در اثر جدیت مدید را نشمند ، در این
ربع قرن مجله هر قبای انتشار یافته و بندرت تأخیر و تعلل
داشته است .

دوم اینکه موضوعات و محتالی که منتشر ساخته
همکی آموزنده و مفید و جالب و اغلب بقلم نویسنده گان
نامدار و استادان بزرگ ادب و فرهنگ بوده است .

سوم اینکه تمام شماره‌ها با کمال دقت و نظافت و
ظرافت بطبع رسیده، از حیث صحت مندرجات و فصاحت بیان
و نداشتن اغلاط چاپی در صفحه مقدم مجلات ایران بوده
است.

چهارم اینکه در صفحات آن تماق و مداهنہ راه
نیافته است.

پنجم اینکه بسبب خصایص مذکور در ممالکی چون
افغانستان و پاکستان و هندوستان رواج پیداکرده و مایه
آبرومندی و تشویید روابط ادبی و فرهنگی ایران با آن
کشورها بوده است.

نگارنده که از چهل و چند سال قبل آقای حبیب
یغمائی را، از زمان تحصیل در دارالعلمین مرکزی، می-
شناسد و شاهد عالقه و عشق ایشان بزبان و ادبیات فارسی و
ناظر بزحمات و مشقات ایشان در خدمت بفرهنگ ایران
بوده پایداری ایشان را در این راه می‌ستاید و از خداوند
متعال سلامت و طول پر نمر ایشان را از صمیم قلب مسئلت
دارد.

عیسیٰ صدیق

مژده بزرگداشت مجله یغما و توفیر و تجلیل از
زحمات و خدمات بیست و پنجمساله دانشمند بزرگوار جناب
حبيب یغمائی دریافت شد. خدا ایام عزت تمام مردان
حق بین و حقشناس را مستدام بداراد.

من مجله یغما را دوست دارم، یغما پاسدار ادب
فارسی است. یک ربع قرن با کمال همتان و عفت آثار
برگزیده دانشمندان و محققان و نویسندهای کان و گویندگان
بزرگ معاصر را در اختیار علاقهمندان بفرهنگ ایران
عزیز نهاده است. در عین حالی که به نیاز زمان عنایت
فراوان داشته، دربرا بر امواج سرکش طغیان و عصیان و نو
جوئیهای بی رویه، چون سد و صخرهای محکم پایداری
نموده است. هرگز نویسنده و گویندۀ ای را تحریر نکرده
و با کسی بدستیز و آویز نپرداخته است. بلکه کوشیده با
ارائه راه فلاح، نویسندهای عاصی را اصلاح کند. اکنون
ثمره زحمات و هزینه‌های طاقت فرسای بیست و پنجمساله
جناب یغمائی بصورت بیست و پنج دوره مجله درآمده

که در واقع به مثابه دایرۃ المعارفی ایرانی است که اگر
تحقیقی بخواهد تحقیقی درباره ادب و تاریخ و فرهنگ
قرن اخیر ایران به عمل می آورد از هر ارجاعی بدان هر گز
بی نیاز نخواهد بود.

عبدالعلی کارتک (تبریز)

-۵-

از سال هزار و سیصد و بیست و هفت که مطبوعات کشور
داخل مرحله تازه‌ای از تحول شدند و مجله‌های ادبی و انتقادی
همچون «محیط» و سپس «یادگار» از ادامه انتشار فرو ماندند
شاعر ادیب و دوست حبیب هاجناب آقای یغمائی که در کار
اداره و انتشار مجله‌های آموزش و پژوهش و نامه فرهنگستان
سابق تجربه وسعی مشکور داشت به تأسیس مجله غرای
یغمایرداخت و خلائی که در این ناحیه از عرصه مطبوعات
پدید آمده بود بدین وسیله بینباشت. از آن زمان تاکنون
خوشبختانه یغما زبان حال شعراء و ادباء و نویسندها و
پژوهندگان بوده است.

بادر نظر کرفتن مشکلاتی که همواره در کار انتشار

یک نشریه آزاد ملی وجود داشته و دارد و موانعی که از هر جهت بر سر راه این کوشه نشر و توزیع منظم و مستمر دیده می شود باید اعتراف کرد که آقای یغمائی با دوام انتشار مجله یغما در این مدت طولانی شق القمر کرده است.

یغما آینه صاف و روشنی است که در آن مراتب سعی و هنر و ادب و فعالیت و کار دانی و استقامت شخص یغمائی بیش از هر فرد دیگری جلوه گر است. کسانی هم که در این مدت به نحوی از انجاء در تحریر و ترجمه و تنظیم و ترتیب هندر جاتش شرکت جسته اند از منبع فیض و برکت آن مستفیض گشته اند.

این کمک موقع را برای تقدیم تهانی و امانتی و دعای خیر و توفیق در حق یغما و یغمائیان مفتتم می شمارد و امیدوارست این اسامی خیر پايدار و برقرار بماند.

سیده حمد حبیط طبا طبائی

- ۶ -

بزرگداشت استاد حبیب یغمائی در بیست و پنجمین سال انتشار مجله گرانقدر یغما، ادای دینی است نسبت

بهوی. زیرا نه تنها کسانی که در عرض این مدت از مطالعه مجله یغما بهره ها برده اند و در سراسر جهان فراوانند بلکه برخی از نویسندگان و شاعران نامور و فضایی کشور نخست از افق مجله یغما تابیده و در خشیده اند و در حقیقت قسمتی از نام و شهرت خویش را هدیون یغما ای و یغما هستند.

آنچه عرض کردم مبالغه و فقط از سر ارادت نیست. بیاد دارم در سال ۱۳۴۴ وقتی در کتابخانه موزه بریتانیا استاد یغما ای را به آقای مردیث او نس^۱، کتابدار بخش شرقی کتابخانه معرفی کردم، نخستین نکته‌ای که وی طرح کرد در خواست ارسال شماره‌های از مجله یغما بود که کتابخانه کسر داشت. آقای مردیث او نس تأکید می‌کرد که چون این مجله مورد مطالعه و استفاده فراوان مراجعت و علاقه‌مندان به فرهنگ ایران قرار می‌گیرد، به نحو ممکن است باید دوره آن را تکمیل کرد.

شادر و ان استاد فروزانفر در جشن‌ده دوره نخستین مجله یغما، نشر صد‌ها مقاله ارجمندرا برای این نشریه توفیقی

بر رگ شمرده بود.^۱ اینکه باید آن رقم را بدو برابر و نیم افزایش داد. در این مدت اکثر نویسنده‌گان یغما از دانشمندان بوده‌اند. این خود فضیلتی است که مجله‌ی یغما عرصهٔ بروز وظهور آثار قلمی گروهی از بزرگان ادب فارسی شده است. همین پایدگاه والا موجب آمده فضای دیگر کشورها نیز نشر ثمرات فکر و ذوق خویش را در یغما هفتم شهر ند و دور و نزدیک بدهمکاری قلمی پردازند.

تشویقهای بی‌کران مدیر ارجمند یغما که گاه به ستایش اهل ذوق و استعداد و دانشمندان می‌کشد، نیز در گرایش صاحب قلمان به سوی مجلهٔ یغما بی تأثیر نبوده است.

حبیب یغما خود نویسنده‌ای است چیره دست و شاعری هنرمند. کاش بیشتر هی نوشت و هی سرود. مقام و شخصیت ادبی وی، لطف محضر، فروتنی، حق پذیری او، احترام و اعتقاد صمیماندای که نسبت به اهل فضل و هنر دارد سبب شده است که مجلهٔ یغما، علاوه بر نشر ادب و فرهنگ فضایی پر از گرمی و صفا و «بزمگنی از خلق و

ادب» پدید آورد.

مجله‌ی یغما در عین حال که روش ادبی متین و استوار خویش را در طی روزگاری دراز حفظ کرده، تا حدودی جلوه‌گاه اندیشه‌ها و ذوقهای گوناگون نیز بوده است. عبارت دیگر دل‌بستگی به سرمایدهای گرانبهای ادب و فرهنگ ایران صفحات مجله‌ی یغما را از درخشش افکار نو و بدیع بی‌نصیب نکرده است.

امروز دانش و فرهنگ بیشتر از راه می‌جات و نشریه‌ها تر و تازه‌گاه‌داشته می‌شود. یعنی بدایع فکر اندیشه‌وران و لطایف قریحه هنرمندان بیشتر از این راه عرضه می‌شود، تابصورت کتابهای مستقل. از این‌رو حقی را که این‌گونه مطبوعات در کسترش و رشد شاخدهای مختلف معرفت بشری دارند نباید از نظر دورداشت.

بی‌هیچ می‌جامله، مجله‌ی یغما را یکی از ارکان نشر ادبیات فارسی و فرهنگ ایران می‌توان شمرد و خدماتش را در این زمینه باید ستود.

بر روی هم دوره بیست و پنج ساله یغما کتابخانه‌ای

است کوچک، ولی پر مطلب و بسیار سودمند کد بد بهائی
اندک در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. اما باخون
دل خوردن و تلاش فراوان استاد حبیب یغمائی و عمر سوختن
صاحب قلمانی که نمره سالها مطالعه و اندیشیدن و تجزیه
خویش یعنی در حقیقت عصارة روح و فکرشان را با اخلاص
وصفا از این راه برای گان در اختیار همگان نهاده اند.
دشواری کاری چنین خطیر یعنی نشر مجله‌ای متن
در مدت ربع قرن بر کسی کد اهل درد باشد پوشیده نیست.
خاصه با در نظر گرفتن مشکلات و مضائق آن. این گونه
خدمتها، هدف و اعتقاد راسخ می‌طلبید و همت بلند و عشق
و فداکاری.

بی‌گمان مجله یغمایی نیز، مازنده‌ی دیگر مجله‌ها، در
این مدت فراز و نشیبه‌هایی داشته که ممکن است گاه مورد
انتقاد خوانندگان یا علاقه‌مندان شده باشد. شاید در بسیاری
از آن موارد مدیر سخن‌شناس مجله نیز نکات مورد نظر را
دراک می‌کرده و آرزو داشته نتیجه کار بهتر از آن در آید.
اما گاه نتوانسته است بمقصود خویش نایل شود. باید وارد

گودشد و باکمبهودها تو قعات و کیج دار و مریزها رو برو گشت،
آنکاه دید بر طبق اصول کار کردن چه دشوارست و ایراد
گرفته البته ازان آسان تر.

استاد یغمائی اگر در سالخوردگی از کار مجله‌می نالند
حق دارند. اما بعر خشان بر سامن همین اعتقاد و احترام اهل
ادب به مجله یغما نمودار آن است که خدمت‌شان مشکور است
و به اجری معنوی رسیده‌اند که شریف قریب پادشاه است.
بی‌شک تا وقتی زبان فارسی زنده است و دوستداران
و پژوهندگان ادبیات فارسی و معارف ایرانی بمندرجات
یغما رجوع می‌کنند نام حبیب یغمائی زنده و پایدار خواهد
بود.

اهید آن که عمر پر برگ استاد یغمائی هر چه افزونتر
و پیشرفت و رونق مجله یغما هر چه بیشتر باشد.

غلامحسین یوسفی

أشعار

-۱-

آسمان گر نقد عمر ما به یغما برده است
در عوض ما خوانی از نعما به یغما برده ایم
هر که چیزی باخت در یغما به یغما و لیک
ما به یغما دفتر دانش ز یغما برده ایم
برده ما نقد عرفان است و کالای کمال
کز چنان یغما چنین گنجی ز نعما برده ایم
دفتر یغما بیان شهر غمنامه است و نیست
جز که شادی نامه این دفتر که آنرا برده ایم
کنج نامه حکمت است این نامه کز هر سطروی
ره به گنجی فارغ از رنج مقاسا برده ایم
و این عجیب تر کانهمه اکسیر دانش را به نقد
از میان نسختی با صد تجلی برده ایم

نی که ما هر پنج گنج محتاج برا بی حجاب
در بیان رمز حق زان لوح اسماء برده ایم
نامه یغما است یغما نامه خوان کمال
کز نفاذش سهمی از نعماء و آلا برده ایم
ربع قرن افزون بر آمد کز عطايش بیدریغ
بیستگانی خورده ایم اینجا و تمغا برده ایم
ربع قرنی کز فنون دانش از بیش و کمیش
خیر دنیا دیده ایم و زاد عقبی برده ایم
هر کجا لفظی بد علمی راه برد، از کاملی
هم به تعلیم وی آگاهی به معنی برده ایم
هیچ کس از هیچ دانا در نیوشیدن نبرد
آنچه ما زاین لوح دانش در تماشا برده ایم
و آنچه ما از سرگویانی به تعلیم سکوت
برده ایم، از فیض این خاموش گویا برده ایم
گاه درس غیرتی از حال آبا خوانده ایم
گاه لوح عبرتی از بهر ابنا برده ایم
گاه در مرآة پندش سوی هاضی دیده ایم
گاه با مرقاة علمش ره به فردا برده ایم

دیده‌ایم از هر مقالی فیض تا دیده‌ایم
برده‌ایم از هر کمالی سود او تا بردہ‌ایم
سود آن شبها کز آنها ره بفکرت خسته‌ایم
فیض آن دمها کز آنها جان زغم‌ها بردہ‌ایم
نظرهای افکنده‌ایم از شوق و استاخوانده‌ایم
قطرهای آورده‌ایم از شور و دریا بردہ‌ایم
زاين خزانه‌ایم آنها که گوئی فی المثل
گلز گلشن، باده ازدن، در زدریا بردہ‌ایم



یارب این پیر سخن را پایی جهد از جا مبر
کز جهاد و جهد وی نفعی ز هر جا بردہ‌ایم
هر کجا اهلی است چون‌ها بهره‌منداز سعی اوست
تا نه‌پنداری که ما این بهره‌نهایها تنها بردہ‌ایم
اوستاد نظم و، نظم عقد اهل دل حبیب
کز ضیاء حب وی ره زی احبا بردہ‌ایم
دستها زی آسمانها در دعای خیر او
هم بد ذکر بارالله بارالله بردہ‌ایم
گریم امیری فیروزکوهی

ایزدان خو حبیب یغمائی
آن ملک خصلت فرشته نژاد
آنکه در شارسان علم و ادب
کاخها شد ز سعی او آباد
علمش آهسته سوی خویش کشاند
ناش جا در صف نخستین داد
مادرش داد شیر پاک و بیین
که از آن شیر پاک خورده چهزاد
کودکی خوشسرشت و دانش دوست
نوجوانی صمیم و مردی راد
دعویش گرچه نیست فضلش هست
کافکند کاخ علم را بنیاد
بس بکوشید و بس ریاضت برد
تا که شد در سخنوری زاوتد
اوست استاد و من کمین شاگرد
من هر یدم بدوى و اوست مراد

وا دریغا که باشد این شاگرد
دست پرورد فعل آن استاد
فیض آن محقق خجسته که یافت؟
کش هزاران درود نفرستاد
کیست کو دل نداد و سر نسپرد؛
پیش آن نیک مرد پاک نهاد
مگر آن کو در اندرون دارد
دلی از سنگ و جانی از پولاد
جز به یغما و جز به یغمائی
دیده ناخرم است و دل ناشاد
خوان یغماست کنج باد آورد
مدھادش بد زمانه به باد
آن همایون صحیفه را که گشود
که ز جان لب به آفرین نگشاد
سایه نازنین یغما را
که سراسر هدایت است و رشد
از سر کاروان عالم و هنر
تا قیامت خدا جدا مکنند

سال عمرش به بیست و پنج رسید
دور فرشت به بیست و پنج رساد

ربع قرنی ز روز کار حبیب
در ره این صحیفه رفت چو باد
تا که یغمای او ز همت او
شود آنسان که خواهد آن استاد
به مراد جهان حبیب عزیز
دیر ماناد ماندنی بد مراد
نیم قرن دکر بد لطف خدای
بز باد آن فرشته خو بزیاد
حسین پژمان بختیاری

این جزو همزمان با انعقاد سومین کنگره تحقیقات ایرانی
با هتمام گروه دوستداران مجله یغما و با مساعدت چاپخانه بهمن
در چاپخانه مذکور به چاپ رسید.

چاپ بهمن